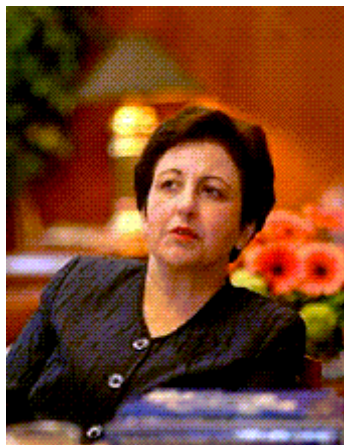


## مصاحبه خانم شیرین عبادی با روزنامه اومانیته



ادامه در صفحه ۳

به خاطر اهمیتی که پیرامون بحران مسئله هسته ای ایران وجود دارد، روزنامه اومانیته تمام صفحه اول و دوم خود را به این مصاحبه و چاپ عکس خانم عبادی اختصاص داد. متن این مصاحبه به شرح زیر است. شیرین عبادی برنده جایزه صلح سال ۲۰۰۳ با همتای آمریکائی اش، جودی ویلیامز، فراخوانی برای گفت و گوهای واقعی ارائه داده اند.

**اومانیته:** در باره امکان مداخله نظامی و استفاده از سلاح های هسته ای، و همچنین تحمیل دموکراسی به ایران سخن گفته می شود. آیا این ها شما را ناراحت می کند؟

**شیرین عبادی:** من تصور می کنم که می خواهند افکار عمومی را در جهت یک مداخله علیه ایران آماده سازند، همچنانکه در مورد عراق صورت گرفت. مردم ایران نسبت به حکومت خود



شماره ۷۳۸، دوره هشتم  
سال بیستم، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۸۵

### واردات بی رویه ونابودی تولید ملی

طی سالیان اخیر رسانه های همگانی گزارش های متعددی را پیرامون ورشکستگی صنایع داخلی و تعطیلی و رکود صدها واحد تولیدی انتشار داده اند. به موازات این بحران، که سبب بیکاری گسترده گردیده، شاهد حجم عظیم واردات کالاهای خارجی نیز هستیم. به عنوان نمونه در اواخر فروردین ماه سال جاری، خبر گزارى کار ایران ایلنا، گزارش داد کارخانه های تولید لوازم خانگی در پی عدم

ادامه در صفحه ۲

### در این شماره

- ۴ در ص صدمین سالگرد مشروطیت
- ۴ در ص اعتراض به ادامه بازداشت اسانلو
- ۵ در ص ادامه اعتراض های دانشجویی
- ۵ در ص به یاد مهندس هادی میر میران
- ۶ در ص جنبش کارگری و تحولات میهن
- ۷ در ص شعار محوری اول ماه مه در جهان
- ۸ در ص وحدت کمونیست ها در اردن
- ۹ در ص حمید کرزای و دعوت طالبان
- ۱۲ در ص ریشه های جنگ داخلی در سریلانکا

### قطعنامه شورای امنیت، نامه احمدی نژاد و ادامه تشنج در منطقه

*مردم ایران بلوغ سیاسی، اراده کارا و هوشیاری لازم را برای حل و فصل مسایل خود از هر نوع دارند. هرگونه دخالت تجاوزکارانه در امور چنین کشوری از قبل محکوم به شکست است. نبرد نو با کهنه، مدرنیسم با سنت گرایی، دانش با خرافات، و دموکراسی با استبداد ریشه های عمیق و رو به رشدی در جامعه پیدا کرده است. دخالت خارجی، به ویژه نظامی، تأثیر مخربی در این آهنگ رشد ایجاد خواهد کرد و در تحلیل نهایی آب به آسیاب ارتجاع و استبداد خواهد ریخت و منطقه را بیش از پیش به آتش و خون خواهد کشید.*

هستم، اما طبیعی است که افراد مختلف شرایط مختلف دارند. ما برای گفت و گو هیچ شرطی نداریم، اما کسانی که با بداخلاقی و توهین می خواهند گفت و گو کنند، باید خودشان را عوض کنند.» او ادامه داد: «اگر کسی اسلحه روی شقیقه شما بگذارد و بگوید صحبت کن؛ شما هم صحبت نمی کنید.» احمدی نژاد احتمال حمله به ایران از سوی آمریکا را منتفی دانست و گفت: «بعید به نظر می رسد کارهای غیرعقلانه بکنند. اما به هر حال ما برای قرار گرفتن در هر شرایطی آماده ایم.»

سید محمد خاتمی، رئیس جمهور سابق، در همین زمینه گفت: «هر کاری باید با دیدگاه راهبردی و توجه به مصالح و سیاست های کلی کشور انجام شود.» وی افزود: «حتماً باید انگیزه و طرحی پشت سر نوشتن این نامه وجود داشته باشد.» وی در پاسخ به سئوالی درخصوص مصاحبه سال ۷۶ خود با

ادامه در صفحه ۱۰

نامه محمود احمدی نژاد به بوش بازتاب وسیعی در رسانه های عمومی ایران و جهان به همراه داشت. کشورهای غربی و از جمله آمریکا متن نامه را بی ارتباط به مسایل اخیر و تشنج بین المللی بر سر مسأله هسته ای ایران دانسته و جواب دادن به آن را بی حاصل اعلام کردند. شماری از شخصت های اجتماعی و سیاسی کشور نیز در ارزیابی نامه احمدی نژاد آن را کم محتوی و شعارگونه توصیف کردند. نکته جالب در اینجاست که کسانی که در گذشته یی نه چندان دور هرگونه تماس و یا گشایشی در رابطه با آمریکا را «خیانت به راه امام» توصیف می کردند این چنین ناگهانی به مذاکرات رو در رو (درباره عراق) و نامه نگاری به «شیطان بزرگ» رو آورده اند. به گزارش خیرگزاری ایسنا، احمدی نژاد، طی سفر خود در اندونزی در پاسخ به سئوالی درباره این باره که آیا گفت و گوها با آمریکا بعد از نامه رودرو می شود یا خیر؟ گفت: «ما اهل گفت و گو

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## ادامه واردات بی رویه ...

ارگان های خاص صورت می پذیرد. در این خصوص گزارش ها نشان می دهد که سپاه پاسداران، بنیاد شهید، بنیاد غدی، نیروی انتظامی؛ کمیته امداد خمینی و ده ها بنیاد ریز و درشت دیگر در این قاچاق گسترده کالا دست داشته و از آن به زیان اقتصاد ملی منفعت می برند. بخشی از هزینه های سپاه پاسداران کمیته امداد خمینی و بنیاد غدیر از همین قاچاق کالا تامین می شود. نکته بسیار جالب و پر اهمیت در مسأله واردات، توجه به افزایش قدرت خرید ایران در بازار جهانی به علت افزایش بهای نفت است. به بیان دقیق به موازات افزایش در آمد حاصل از فروش و صدور نفت، سیل ورود کالاهای خارجی سرعت می گیرد. چندی پیش آخرین آمار سازمان تجارت جهانی، در ارتباط با رده بندی کشورها از نظر بازرگانی بین المللی؛ انتشار پیدا کرد. در این گزارش آماری ایران به دلیل افزایش بهای نفت توان صادراتی و وارداتی خود را تقویت کرده و از رتبه بیست و چهارم، از نظر جدول سازمان تجارت جهانی، به رتبه بیست و سوم صعود کرده است. آمار این سازمان میزان واردات کالا به کشور را در سال ۲۰۰۵ میلادی معادل ۴۱/۶ میلیارد دلار ارزیابی کرده است.

آنچه در گزارش سازمان تجارت جهانی برجسته است، این واقعیت می باشد که درآمدهای حاصل از یگانه ثروت ملی نفت با توجه به سمت گیری اقتصادی اجتماعی ضد ملی رژیم ولایت فقیه به جای آنکه صرف آبادانی و سازندگی کشور و رفاه و سعادت مردم برای زندگی بهتر شود و بنیه تولیدی کشور را؛ به ویژه در صنایع استراتژیک و مادر تقویت کند، به واردات کالاهای مصرفی و نامرغوب کشورهای سرمایه داری پیشرفته اختصاص یافته است و همین امر نه تنها مانع رشد و توسعه اقتصاد ملی گردیده و به تولید ملی و آن بخش تولید کنندگان کوچک و متوسط آسیب های جدی و اساسی وارد آورده بلکه در یک کلام آنها را ورشکسته نموده و توده های وسیع زحمتکش را نیز به ورطه فقر تباهی کشانده است. در این میان باید به برنامه بودجه دولت احمدی نژاد اشاره داشت که یکی از ویژگی های عمده آن اختصاص مبالغ هنگفت از ثروت ملی برای واردات است که فقط و فقط تجار عمده و بخش های انگلی جامعه از آن سود می برند. بررسی متمع بودجه و لایحه بودجه سال ۸۵، همانگونه که قبلاً هم تاکید کرده ایم، نشان می دهد که واردات به شدت رشد پیدا خواهد کرد و این رشد افسار گسیخته واردات، با هدف تامین منابع ریالی بودجه، سبب می شود فشار بر واحدهای تولیدی به نحوی بی سابقه افزایش یافته و به ورشکستگی و رکود بیش از پیش کارخانه های و افزایش نرخ بیکاری بیانجامد. در اثر این سیاست هزاران کارگر و کارمند و مهندس و متخصصان صنایع تولیدی کشور امنیت شغلی خود را از دست داده و سطح زندگی آنها با سقوط فاحش روبرو می گردد.

در مجموع محتوی برنامه دولت، که در چارچوب سمت گیری اقتصادی اجتماعی منطبق با دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قرار دارد، به افزایش تورم همراه با بیکاری، رشد سرسام آور واردات، تضعیف بخش های تولید و اضمحلال بنیه اقتصادی کشور، آنهم در اوضاع بسیار خطرناک و نگران کننده کنونی جهان و منطقه، منجر خواهد شد.

کوتاه سخن: واردات سیل آسای کالاهای خارجی تنها منافع قشرها و طبقات انگلی و غیر مولد جامعه را تامین می کند و به شدت به زیان اقتصاد ملی و توانایی تولیدی کشور است!

فروش تولیدات و نبود توان رقابتی با تولید کنندگان خارجی فعال در بازار ایران با مشکلات بزرگ رویه رو شده اند. در همین گزارش یکی از مسئولان جمهوری اسلامی در رابطه با وضعیت بازار و مسأله واردات که منجر به ورشکستگی کارخانه های تولیدی شده با صراحت یادآوری می کند: «به دلیل ادامه بحران مالی کارخانه های تولیدی لوازم صوتی و تصویری تعداد قابل توجهی از کارگران شاغل در این بخش از ابتدای سال جاری تاکنون اخراج شده اند..... بازار داخل مملو از کالاهای خارجی بوده و در این میان کالاهای تولید داخل کمتر به چشم می خورد، اکنون امنیت شغلی بیش از ۵۰ هزار کارگر شاغل در این بخش با بحران جدی روبرو است.»

به علاوه گزارش روابط عمومی گمرک ایران در خصوص حجم و ارزش واردات بسیار افشاگرانه است. خبرگزاری مهر، به تاریخ ۲۳ فروردین ماه امسال، با انتشار گزارش روابط عمومی گمرک اعلام داشت: حجم واردات در سال ۱۳۸۴ به مرز ۴۰ میلیارد دلار نزدیک شد در این گزارش از جمله چنین آمده است: «قیمت متوسط هر تن وارداتی در سال گذشته (۱۳۸۴) به هزار و صد بیست و سه دلار و هفتاد سنت رسید..... فهرست ۱۰ قلم عمده کالای وارداتی در سال گذشته شامل آهن آلات، لوازم صنعتی و برقی مواد اولیه پلاستیک، مواد شیمیایی، کاغذ و مقوا، محصولات دارویی ماشین آلات راه سازی و کشاورزی و جرثقیل، محصولات صنایع شیمیایی، کود شیمیایی و برنج بوده است.»

در بخش دیگر گزارش روابط عمومی گمرک ایران ارزش واردات به صورت تفکیک شده درج گردیده است. به طور مثال در طول ۱۰ ماه سال گذشته، ۳ میلیارد و ۸۷۴ میلیون دلار آهن آلات، ۲ میلیارد و ۱۹۸ میلیون دلار لوازم صنعتی برقی، یک میلیارد و ۳۷۰ میلیون دلار مواد اولیه پلاستیک، ۶۶۳ میلیون دلار کاغذ و مقوا، ۵۸۶ میلیون دلار محصولات دارویی، ۴۶۴ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار کود شیمیایی و بیش از ۷۰۰ هزار دلار برنج وارد کشور شده است. البته در آمار گمرک ارقام مربوط به بسیاری از اجناس که اکنون بازار داخلی را اشباع کرده اند به چشم نمی خورد.

باید به مسأله واردات بی رویه کالاهای خارجی، پدیده قاچاق کالا به کشور را نیز افزود تا حجم و ارزش واقعی واردات بهتر مشخص و تاثیر نامطلوب و ویرانگر آن بر تولید داخلی و رشد نرخ بیکاری به شکل صحیح ارزیابی شود.

در این زمینه آمارهای متعدد حاکی از آن است که حداقل نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار کالا بصورت قاچاق به داخل بازارهای ایران راه یافته است. این قاچاق شگفت آور و صد البته پر سود بطور عمده از طریق نهادها و

**آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!**



با اینهمه پس از انقلاب به درصد زنانی که تحصیلات خود را دنبال کردند افزوده شد. امروز در دانشگاه ها، دانشجویان دختر ۶۵٪ را شامل می شوند در صورتیکه در زمان شاه فقط ۲۵٪ بود. از انقلاب به اینسو زنان دانش آموخته تر شدند ولی در زمینه حقوق خویش آنان با وضع

قوانین (بسیاری از حقوق خود را) از دست دادند. از این قرار که شهادت یک مرد به اندازه شهادت دو زن ارزش دارد. اگر یک تصادف رانندگی روی دهد، و یک زن در مقابل یک مرد قرار بگیرد، خسارتی که به زن پرداخت می شود نصف آن چیزی است که به یک مرد تعلق می گیرد. می توان اینطور خلاصه کرد که ایران کشوری پر از تضاد و شگفتی است.

**اومانیته:** شکست «اصلاح طلبان» را چگونه توضیح می دهید؟ به ویژه تجربه محمد خاتمی را در دو دوره ریاست جمهوری از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۵ را؟

**شیرین عبادی:** خاتمی به دموکراسی اعتقاد داشت، اما بر اساس قانون اساسی، قدرت های رئیس جمهوری محدودند. برای این است که او نتوانست کار بزرگی انجام دهد. آنان که قدرت را در دست دارند با سیاست های اصلاح طلبان موافق نبودند. حتی پارلمان (مجلس) در سال ۲۰۰۰ که با او همراه بود، نتوانست قوانینی را که می خواست به تصویب برساند. این شورای نگهبان است که باید قوانین را تأیید کند. مجلس ششم به یک قانون برای تصویب لایحه ای علیه تبعیض بر ضد زنان رای داد. شورای نگهبان آنرا به بهانه اینکه این قانون مغایر شرع است رد کرد. ایضاً قانون علیه شکنجه از سوی شورای نگهبان رد شد. می بینید که قدرت واقعی در دست شورای نگهبان و رهبر است.

**اومانیته:** در بافت تنش های بین المللی که در حال حاضر با آن آشنا هستیم و تهدید روی ایران سنگینی می کند، آیا زنان نقش خاصی ایفاء خواهند کرد؟

**شیرین عبادی:** زنان آگاه تر و دانا تر از پیش هستند. آنان حقوقی را که فاقد آنند می شناسند. زنان آثار جنگ را باز هم بیشتر و نیرومندتر تحمل می کنند. آنان باید آنچه را که به آن می اندیشند بیان کنند. با صدای بلند بگویند که بر ضد جنگ هستند.

## ادامه مصاحبه اومانیته با خانم شیرین عبادی ...

بسیار منتقد هستند ولی اگر ایالات متحده به ایران حمله کند، مطمئناً ایرانیان از کشور خود دفاع خواهند کرد و اجازه نخواهند داد که حتی یک سرباز آمریکائی به آنجا پا بگذارد. اما راجع به تحمیل دموکراسی، من فقط یک سؤال را مطرح می کنم: آیا آمریکائی ها در عراق دموکراسی را مستقر کردند؟ موزه های عراق تاراج و با خاک یکسان شدند. صنایع عراق ویران گشتند. بیش از یکصد هزار غیرنظامی کشته شدند. عراق در آستانه یک جنگ داخلی است و این نتیجه جنگی است که علیه عراق به پیش برده شد.

**اومانیته:** به عنوان یک برنده جایزه صلح نوبل، شما در برابر مسئله هسته ای و یا دقیق تر گفته شود، ساخت سلاح های هسته ای توسط ایران که کشورهای غربی علیه آن بر خاستند، چگونه موضع گیری می کنید؟

**شیرین عبادی:** هیچ کشوری نیاز به داشتن سلاح های هسته ای ندارد، نه ایران، نه اسرائیل، نه ایالات متحده، نه فرانسه. بمب اتمی نه برای بهتر ساختن شرایط زندگی نوع بشر ساخته شده است و نه برای رشد و ارتقاء او. میلیارد ها دلار برای سلاح های هسته ای، یا برای تسلیحات بطور کلی خرج می کنند در حالیکه بسی بهتر خواهد بود که این پول ها برای بهزیستی خلق ها بکار برده شود. من آنچه را که دولت ایران پشت پرده تصمیم گرفته نمی دانم. (در ایران) دموکراسی کامل نیست. دولت ایران اعلام می دارد که هدف آن استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای است. ما نمی دانیم که آیا این اعلام درست است یا نه؟ تنها با تحقق دموکراسی پیشرفته در ایران است که می توانیم به جهان چنین اطمینانی بدهیم.

**اومانیته:** شما به مردم ایران و آمریکا و فرانسه که امروز از صدای جنگ در پیرامون ایران ناراحت هستند چه می گوئید؟ آن ها چه می توانند بکنند؟

**شیرین عبادی:** پانزده روز است که من با برنده جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۷، جودی ویلیامز، ملاقات کردم و متفقاً اعلامیه ای را تهیه کردیم که آنرا به اتفاق هم و هر یک به زبان خود قرائت کردیم. در این اعلامیه ما از دولت های ایران و آمریکا خواستیم که از هزینه های نظامی خود بکاهند و پول آن را صرف بهبود شرایط زندگی ملت های خود بکنند. همچنین از آن ها خواستیم که به حقوق بشر احترام بگذارند و اختلاف های خود را فراموش کنند و به آینده بیاندیشند. مسائل موجود باید با مذاکرات و مباحثات حل و فصل شود و این باید در سه سطح صورت گیرد: بین روسای جمهور، بین پارلمان ها و بین سازمان های غیر دولتی. با جودی ویلیامز باز گو کردیم [تکرار کردیم] که ملت های ایران و آمریکا جنگ نمی خواهند. امیدواریم که دو دولت این اعلامیه مشترک را در نظر بگیرند.

**اومانیته:** کتابی که شما منتشر کرده اید تمام تاریخ ایران را از زمان انقلاب ۱۹۷۹ (۱۳۵۷) و عزیمت شاه تا امروز را دربر دارد. شما این انحراف بین خواست ملت در سال ۱۹۷۹ و تغییر جهت آن را و آنچه را که پس از آن روی داد، چگونه توضیح می دهید؟

**شیرین عبادی:** کسانی که فکر می کردند می توان بر اساس آئین های چهارده قرن پیش زندگی کرد، و می خواستند مسائل امروزی را با راه حل های اسلاف خویش حل و فصل کنند و سامان دهند، مسبب وقایعی شدند که با آن ها روبرو هستیم. در واقع فرصت طلبان با قرار گرفتن در سطح [سوار شدن بر موج] در جریان انقلاب، از آن برای استقرار قدرت خویش که کاملاً با موقعیت هایشان منطبق بود، استفاده کردند. و این دلیل انحراف انقلاب از مسیر اصلی اش است.



## تخریب مزار مشروطه خواهان در صدمین سالگرد مشروطیت

مردم میهن ما امسال به استقبال صدمین سالگرد انقلاب مشروطیت می روند. انقلابی که صد سال پیش از این، شیپور آزادی و مبارزه با استبداد را در سراسر ایران نواخت. انقلابی که با شعار اصلی حریت، مساوات، وطن، پرچم مبارزه مردم علیه خود کامگی و بی قانونی بود. این شعار در واقع ترجمان شعار اصلی انقلاب کبیر فرانسه، یعنی: «آزادی، برابری، برادری» بود، که برای اولین بار در تاریخ مردم را با حقوق اساسی و انسانی خود آشنا کرد. انقلاب مشروطیت نیز در صد سال قبل سرفصلی بود از پیکار مردم ستمدیده میهن ما که تا به امروز نیز الهام دهنده حرکت ها و جنبش های آزادی خواهانه و مترقی است. بی دلیل نیست که اکنون مدت ها است که گرمی داشت این سال روز خجسته آغاز شده است. اینک روزی نیست که مردم میهن ما، نویسندگان، هنرمندان و روشنفکران در نشست ها و سمینارها مختلف گوشه هایی از این انقلاب پرشکوه را گرمی ندارند. بدون شک این مهم، تا ماه مرداد در تابستان، که نقطه اوج بزرگداشت این روز است، هم چنان ادامه خواهد داشت. و همه زوایای انقلاب مشروطیت را دربر خواهد گرفت. اما نقش رژیم در این میان چیست؟ رژیم استبدادی موجود نیز بر طبق سنت خود که همانا آزادی ستیزی و سرکوب مخالفین است. همه تلاش خود را جهت تحریف این انقلاب و چهره های درخشان آن بکار گرفته است. یا در بهترین حالت ثمره این انقلاب را تنها محصول فعالیت های عده ای معمم معرفی می کند. تاریخ ستیزی و تحریف تاریخ آن هم به خصوص آنجا که پای دگراندیشان در میان باشد، از ویژه گی های حکومت و قلم به دستان آن است. در این میان کافی است که نگاهی به مطالبی که در روزنامه کیهان زیر نظر حسین شریعتمداری نماینده ولی فقیه (خامنه ای) در این موسسه انداخت. تا مشخص شود که چگونه مبارزات قهرمانانه مردم و چهره های شاخص این مبارزات تحریف می گردد.

در ارتباط با موضوع انقلاب مشروطه، و دسیسه های رژیم، کافی است که به خبری مبنی

بر تخریب مزار مشروطه خواهان، که در روزهای گذشته بازتاب داشت، توجه کرد. مطبوعات گزارش دادند که با اجرایی شدن طرح توسعه بیمارستان لقمان حکیم در میدان آذری تهران، گورهای دو تن از مبارزان انقلاب مشروطیت به نام های ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل که در مجاورت این بیمارستان قرار دارند، تخریب خواهد شد. این دو روزنامه نگار انقلابی از روشنفکران انقلاب مشروطه محسوب می شوند که با زبان و قلم خود در جهت تحقق این انقلاب و روشنگری مردم نقش بارزی بازی کردند. البته مدیریت بیمارستان به خاطر نگرانی از واکنش مردم، تخریب گورهای این دو روزنامه نگار از سوی بیمارستان لقمان حکیم را تکذیب کرد. ولی «هاشمی نژاد» مدیر این بیمارستان، تأیید کرد که براساس طرحی، خانه های اطراف بیمارستان خریداری شده و تبدیل به محوطه، پارکینگ و فضای سبز بیمارستان می شود. یکی از کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان تهران در این باره به خبرنگار شرق می گوید: «حدود سه سال پیش از سوی کارشناسان میراث فرهنگی عملیات بررسی و شناسایی این مقبره ها انجام گرفت و مراحل اولیه تهیه پرونده ثبتی آنها انجام شد. اما با این وجود این پرونده در چرخه اداری افتاد و ثبت آن در فهرست آثار ملی به فراموشی سپرده شد...» موضوع تخریب مزار مشروطه خواهان مردم را به یاد توطئه تخریب و نابودی قطعه شهدای مردم و مبارزین انقلابی در بهشت زهرا می اندازد که سال گذشته به بهانه بازسازی و ایجاد فضای سبز مطرح شده بود. این امر باعث اعتراض های وسیعی به ویژه از سوی خانواده های شهدا، روبرو شد. بدون شک تخریب مزار مبارزان انقلاب مشروطه تلاشی برای نابودی خاطره انقلاب مشروطیت است ولی همچنان که تاریخ در طول صد سال گذشته نشان داده است این امر بی شک با شکست روبه رو خواهد شد.

## یک اقدام شجاعانه: اعتراض به ادامه بازداشت منصور اسانلو

۴۴۵ نفر از چهره های سیاسی، فرهنگی و دانشجویی، در این هفته، با انتشار و امضاء نامه یی به ادامه بازداشت غیرقانونی منصور اسانلو در ارتباط با خواسته های کارگران شرکت واحد، اعتراض کردند. امضاء کنندگان خواهان آزادی فوری این فعال کارگری شده و هم چنین ضمن دفاع از حقوق سندیکایی، خواهان بازگشت کارگران اخراجی شرکت واحد بر سر کار خود شده اند. منصور اسانلو اکنون مدت چهار ماه است که در بازداشتگاه امنیتی و در سلول انفرادی بسر می برد. این فعال کارگری در طول تمام این مدت از هر گونه حقی از جمله ملاقات با خانواده خود و دیدار با وکیل محروم بوده است.

نکته مهم و نگران کننده ای که در این نامه اعتراضی به چشم می خورد، بیان این امر است که برخی گزارش ها حکایت از آن می کنند که مسئولین و زندانبانان با اعمال فشارهای شدید بر این فعال کارگری قصد دارند که از وی اعترافات غیرواقعی و مرسوم اخذ کرده و سپس این نوع اعترافات را پایه اتهامات خود قرار دهند. امری که طولانی تر شدن زندان انفرادی و هم چنین عدم ملاقات از نشانه های مشخص آن است. نامه اعتراضی تاکید می کند که دستگاه قضایی با وجود ترفند همیشگی خود، یعنی طرح اتهامات و بزرگ کردن آن، تا به امروز هیچ گونه مدرک مستندی منتشر نکرده است.

در این نامه هم چنین به موارد دیگری از جمله اجرای حقوق سندیکایی به مثابه حق واقعی کارگران اشاره شده و جنین نتیجه می گیرد: «ما امضا کنندگان زیر با الهام از اعلامیه جهانی حقوق بشر، مقاوله نامه های جهانی کار که به تأیید و امضاء جمهوری اسلامی نیز رسیده و موظف به عمل به آنها است، خواستار آنیم که به فوریت آقای منصور اسانلو از زندان آزاد شوند و زمینه احقاق حقوق ایشان با برگزاری دادگاه صالح علنی فراهم شود و همچنین تاکید می کنیم که برخورداری از سندیکای مستقل کارگری حق بدیهی و سلب ناشدنی کارگران و زحمتکشان می باشد که مطالبه آن نباید با زندان، اخراج و اذیت و آزار خانواده ها مواجه شود. آنهم در زمانه ای که قبضه کنندگان قدرت شعار حمایت از محرومان را سر می دهند.»

## هاشمی رفسنجانی و جریان سوم؟ یا یازی انتخاباتی خبرگان رهبری

بحث انتخابات خبرگان در میان جناح های حکومتی هم چنان ادامه دارد. از موضوعات مطرح شده چنین برمی آید که قصد رژیم در برگزاری انتخابات خبرگان به اصطلاح رهبری، یک دست کردن نمایندگان گوش به فرمان ولی فقیه است. در عین حال تلاش می شود طوری وانمود شود که مبارزه انتخاباتی جدی و سالمی نیز در جریان است. یکی از دلایل و نشانه های این امر مطرح کردن لیست های جداگانه است. در این میان دو جریان عمده که در واقع دو جناح اصلی روحانیون محسوب می شوند، در صدد ارایه لیست کاندیداهای خود هستند. این دو طیف، یکی مجمع روحانیون مبارز و دیگری جامعه روحانیت مبارز محسوب می شوند. جامعه روحانیت که مصباح یزدی و هواداران وی در آن دارای نفوذ هستند، کوشش می کنند که با جریانی به نام جامعه مدرسین حوزه علمیه به یک ائتلاف دست بزنند. از هم اکنون نام جامعیت در جریان بحث های انتخاباتی بر سر زبان افتاده است. که اشاره به هم سویی دو جامعه اشاره شده دارد. تلاش جامعیت بر این است که در میان لیستی که ارایه خواهد داد نام هاشمی رفسنجانی و مصباح یزدی به عنوان کاندیداهای مشترک جامعیت قید شود. در این ارتباط غلامرضا مصباحی مقدم سخنگوی جامعه روحانیت مبارز اعلام کرد: لیستی انتخاباتی را تهیه می کنیم که در آن نام هاشمی رفسنجانی و مصباح یزدی گنجانده شده باشد.

## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ...

## به یاد پدر معماری نوین ایران «هادی میر میران»



خبر در گذشت هادی میر میران شخصیت برجسته علمی و یکی از طراحان و معماران ممتاز ایران در میان روشنفکران، هنرمندان و محافل علمی و دانشگاهی کشور با اندوه و تأثر بسیار همراه بود. جامعه علمی میهن ما یکی از برجسته ترین چهره های خود را از دست داد. مهندس میرمیران در سال

۱۳۴۷، با رتبه اول از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد و فعالیت های پر بار حرفه یی خود را آغاز کرد. از این میان می توان به طراحی مجموعه بهارستان، در میدان بهارستان، دادگستری مرکز و سر کنسولگری ایران در فرانکفورت اشاره کرد. میر میران به حق پدر معماری نوین ایران نامیده می شود.

او در طول عمر پر بار خود خدمات انکار ناپذیر د ر عرصه علم بویژه دانش معماری و شهر سازی مدرن انجام داد. او روشنفکری مردمی و میهن دوست بود که، دانش و تخصص خود را در حیطه تنگ شخصی و برای تأمین منافع خصوصی خویش قرار نداد. اعتبار به حق و توان بالای علمی او در خدمت اعتلا و سربلندی میهن و سعادت مردم قرار داشت و او تا به آخر به این اندیشه و آرمان والا وفادار ماند.

مهندس میر میران در سال ۱۳۶۲، در جریان یورش به حزب توده ایران، همراه با دیگر اعضای کمیته ایالتی اصفهان دستگیر شد و بلافاصله مورد شکنجه های شدید و وحشیانه قرار گرفت. شکنجه گران رژیم ولایت فقیه که از وزن و اعتبار و نیز نفوذ معنوی وی در میان محافل علمی و صنعتی کشور خصوصاً استان اصفهان اطلاع داشتند برای در هم شکستن روحیه و شخصیت این چهره ممتاز از همه گونه شیوه ها استفاده بردند و اما تلاش آنها در این راه ناکام ماند.

پس از رهایی از زندان میر میران به فعالیت علمی خود با وجود موانع بسیار ادامه داد و اعتبار علمی خود را وقف کشور و تربیت دانشجویان و جوانان کرد.

حزب توده ایران در گذشت این چهره طراز اول علمی کشور را به خانواده او و همه روشنفکران مردمی و ترقی خواه تسلیت می گوید و یاد او را گرامی می دارد. برخی از آثار و خدمات مهندس هادی میرمیران به شرح زیر است:

- طراحی موزه تاریخ ایالت کالیفرنیا آمریکا
- طراحی کتابخانه ملی شورای شهر کانساس کان ژاپن
- طراحی مجموعه ورزشی و بسیار مدرن جزیره سیری در خلیج فارس

- طراحی مرکز خدماتی شمال مجموعه کریمخانی شیراز
- طراحی مرکز مطالعات و پژوهش های معماری و شهر سازی ایران
- طراحی موزه مرکزی اسناد، ترمینال فرودگاه نوینیا تهران، مسئول و سرپرست و

کارگاه معماری و آتلیه طراحی معماری و شهر سازی شرکت ملی ذوب آهن ایران و نیز استاد دانشگاه های علم و صنعت تهران، هنر معماری تهران، دانشگاه شیراز و دانشگاه همدان.

میر میران بیش از ده ها مقاله و سخنرانی در مجامع معتبر علمی جهان داشته است. او از اعتبار جهانی در رشته معماری برخوردار بود.

یادش گرامی باد!

وی در مقابل پرسشی تأکید کرد که: بعید میدانم آقای مصباح یزدی به دنبال لیست جداگانه ای برای انتخابات خبرگان رهبری باشد. همچنین رضا اکرمی عضو جامعه روحانیت مبارز تهران در مورد قرار گرفتن نام هاشمی رفسنجانی در فهرست جامعین اظهار داشت: آیتالله هاشمی رفسنجانی در کشور ما شخصیتی شناخته شده هستند که در مدیریتهای مختلف کارنامه درخشانی را از خود نشان داده اند. رضا اکرمی در باره حضور مصباح یزدی در فهرست جامعین و مذاکرات صورت گرفته در این ارتباط گفت: «به نظر من در حال حاضر صحبت کردن از مصداق ها هیچ فایده و ضرورتی ندارد. جامعین در مرحله شناسایی افراد و در حال مذاکره با آنها هستند. طبیعی است که جامعین با توجه به معیارهایی که در نظر دارند اولویتهایی را با توجه به تجارب، سن و سلامتی افراد و میزان درجه علمی آنها برای حضور افراد در فهرست خود در نظر می گیرند.»

در مقابل مجمع روحانیون موضوع رایزنی با هاشمی رفسنجانی برای وارد کردن نام وی در لیست این مجمع را رد کرد و این امر را منوط به درخواست هاشمی برای کاندید شدن در لیست این جریان دانست. محمد رضوی یزدی عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز در مورد رایزنی با هاشمی رفسنجانی درباره انتخابات خبرگان گفت: «مجمع برای بستن فهرست انتخاباتی خود از کسی اجازه نمی گیرد. شخصی که قصد دارد نماینده یک انتخابات شود، باید نظر گروهها را جلب کند، ولی از آنجا که هنوز دقیقاً مشخص نشده اعضای فهرست چه کسانی خواهند بود این قضیه نیز تاکنون مشخص نشده اما قطعاً این مسئله در حال بررسی است و پس از در نظر گرفتن اولویت ها فهرست نهایی ارائه میشود.»

مرتضی نبوی مدیر مسئول روزنامه رسالت نیز با اعلام اینکه دو جریان «مجمع روحانیون» و «جامعه روحانیت» پایه های اصلی سامانه حزبی کشور می شوند، با اشاره به نقش هاشمی رفسنجانی بیان کرد: اما به نظر می آید جریان سومی می تواند شکل بگیرد که با محوریت آقای هاشمی در حال شکل گیری است. وی که در یک کنفرانس خبری درباره سامانه حزبی در کشور سخن می راند، تأکید کرد که جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون دو جریان عمده کشور را تاکنون تشکیل داده اند و دیگران حول محور این دو جریان فعالیت کرده اند و هیچکدام نمی توانند همدیگر را حذف کنند. مرتضی نبوی که در عین حال عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز هست، ادامه چنین ادامه می دهد: هاشمی رفسنجانی در هر مسئولیتی که حضور داشته است با رفتاری میانه از هر دو جریان سیاسی کشور استفاده کرده است. شکی نیست که این سخنان را باید در جهت مطرح شدن دوباره نام هاشمی رفسنجانی دانست. انتخابات خبرگان نیز عرصه است که هاشمی رفسنجانی بدون توجه به انتخابات گذشته که هر بار مردم دست رد به سینه او زده اند، تلاش خواهد کرد در آن جولان داده و وزنه و اعتبار نداشته خود را بالا ببرد. ولی از هم اکنون یک چیز روشن است: جریانی با محوریت هاشمی رفسنجانی آن گونه که برخی از سران و نمایندگان رژیم آرزو می کنند تا از بحران بوجود آمده آنها را خارج کند، نمی تواند شکل بگیرد. صرف نظر از این که بر بحران موجود غلبه کند.

## اعتراض های دانشجویی همچنان ادامه دارد

در هفته های اخیر مبارزه دانشجویان بر سر دستیابی به حقوق خود شدت گرفته است. نکته بارزی که در این اعتراض ها به چشم می خورد این است که دامنه مبارزات دانشجویی که بیشتر در تهران متمرکز بود به سایر شهرهای کشور نیز رسیده است. برای نمونه می توان به تحصن و تجمع اعتراضی صدها تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز اشاره کرد. این اقدام در اعتراض به حرکت های اخیر یک تشکل شبه نظامی (بسیج دانشجویی) و مشکلات صنفی در این دانشگاه صورت گرفته است. دانشجویان این دانشگاه اعلام کردند که از روز یکشنبه اعتراض های خود را گسترش خواهند داد. به گزارش تبریز نیوز، در این تحصن اعتراضی که با حضور صدها تن از دانشجویان دختر و پسر،

## جنبش کارگری و تحولات میهن

\* جنبش کارگری با تمام توان و امکانات خود در مبارزه برای تامین آزادی و عدالت اجتماعی و صلح در میدان بغرنج سیاسی کشور حضور دارد. این جنبش از سویی در راه آماج های عام سیاسی پیکار می کند و از دیگر سو در راه تامین و تضمین حقوق صنفی رفاهی خود با ارتجاع حاکم درگیر و رودررو است. مبارزه سیاسی و صنفی طبقه کارگر ایران جدای از هم نیست. تلفیق صحیح و ماهرانه این دو عرصه یک ضرورت مبرم در مبارزه دشوار کنونی برای طرد رژیم ولایت فقیه است! طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن ما با به روی کار آمدن دولت احمدی نژاد سال پر حادثه و بسیار سختی را پشت سر گذاشته اند. این دولت از همان آغاز فعالیت خود، با برنامه ای حساب شده، یورش همه جانبه ای را به منافع و حقوق زحمتکشان سازمان داد که طی ماه های اخیر ابعاد فوق العاده نگران کننده به خود گرفته است. به بیان دیگر، جنبش کارگری نیز همچون دیگر بخش ها و گردان های جنبش سراسری مردمی کشور با تغییرات در صحنه سیاسی با چالش های معینی روبرو شده و از این رو، یک رشته وظایف با اهمیتی در برابر آن قرار گرفته است. در ارزیابی جایگاه جنبش کارگری در مبارزه با استبداد و ارتجاع همواره باید بر این نکته بنیادین تاکید کرد که مبارزات کارگران و زحمتکشان بخش جدایی ناپذیر جنبش دموکراتیک و آزادی خواه سراسری مردم ایران به شمار می آید و هر گونه تغییر آرایش در صحنه سیاسی، به طور مستقیم بر جنبش کارگری تاثیر گذاشته و می گذارد. بعلاوه، میزان رشد کمی و کیفی طبقه کارگر و سطح سازماندهی و همبستگی در آن و نیز درجه آگاهی سیاسی و صنفی توده های وسیع کارگران و در یک کلام نیروی سازمان یافته و متشکل زحمتکشان در تقویت و ارتقاء و گسترش جنبش سراسری نقش قاطع و انکار ناپذیر ایفا می کند، مرتجعان حاکم با درک همین واقعیت است که مهار و سرکوب مبارزات کارگری را در الویت برنامه های خود قرار داده و تلاش دارند به هر شکل ممکن مانع از وحدت و سازماندهی زحمتکشان شوند. بررسی رویدادهای جنبش کارگری به ویژه رخ دادهایی که در اول ماه مه امسال شاهد آن بودیم از جمله حمله نیروهای امنیتی و بازداشت عده ای از شرکت کنندگان در گردهمایی قانونی سندیکای شرکت واحد مقابل دفتر مرکزی این شرکت گرفته، راه پیمایی مقابل سفارت سابق آمریکا در تهران که در جریان آن با وجود میل و هدف تشکل زرد و ارتجاعی خانه کارگر گروه کثیری از زحمتکشان از فرصت پدید آمده استفاده برده و خواست های به حق خود را مطرح ساختند، نشانگر این حقیقت است که ما با وضعیتی بسیار متفاوت با گذشته مواجه هستیم. جنبش کارگری سندیکایی در هر دو عرصه مبارزه، مبارزه عام سیاسی و مبارزه صنفی و سندیکایی گام های ارزنده ای به پیش برداشته است. می باید تصویری صحیح از این رویداد ها ارایه کرد و در راه وحدت و تشکیلات جنبش کارگری سندیکایی بر پایه واقعیت های عینی موجود پیگیرانه تلاش کرد.

### \* مبارزه طبقه کارگر بر ضد ارتجاع و استبداد:

با برگماری احمدی نژاد بر مسند ریاست جمهوری ما شاهد تغییرات گسترده و بسیار سریع در صحنه سیاسی کشور هستیم. که این تغییرات به طور مستقیم بر جنبش کارگری نیز تاثیر باقی گذاشته و می گذارد. بلافاصله پس از تشکیل دولت توسط

مرتجعان حاکم، دولتی که خود را عدالت طلب و حامی محرومان معرفی می کرد، سیاست ها و برنامه هایی را تدوین و به مرحله اجرا گذارد که در درجه اول منافع زحمتکشان و توده های محروم جامعه را پایمال ساخته و می سازد. دولت نماینده کلان سرمایه داران و تجار عمده و بطور کلی لایه های انگلی و غیر مولد جامعه، برای آنکه بتواند منافع این طبقات و قشرها را تامین و تضمین نماید، سیاست مهار و سرکوب همراه با عوام فریبی را در دستور کار خود قرار داده است. مرتجعان حاکم با اتکاء به بحران آفرینی و ماجراجویی در زمینه های گوناگون و با دستاویز قرار دادن خطرات خارجی، که اتفاقاً بخشی از آنها ناشی از نابخردی و ماجراجویی رژیم است، در مجموع فضای سیاسی کشور را به سمت هر چه بسته تر شدن هدایت می کنند، که سرکوب و فشار بر فعالان کارگری و برخورد با تشکل های مستقل کارگری نظیر یورش به سندیکای کارگران شرکت واحد و دستگیری اعضاء آن، که تا به امروز دبیر این سندیکای قانونی کماکان در اسارت بسر می برد و از وضعیت نامشخصی برخوردار است، بخشی از این برنامه کلی محسوب می گردد. در چنین اوضاع بغرنج و دشواری یگانه راه مقابله با ترندهای ارتجاع، درک درست از سیر حوادث و تشخیص اصلی ترین حلقه های زنجیره رویدادهاست. تشدید مبارزه ضد استبدادی و پیکار برای تحکیم رابطه و پیوند میان گردان های گوناگون جنبش مردمی آن حلقه اصلی و عمده ای است که خوشبختانه جنبش کارگری - سندیکایی کنونی بدان آگاهی یافته است. نباید از نظر دور داشت که جنبش کارگری ستون فقرات جنبش دموکراتیک و مردمی میهن ما در راه نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه به شمار می آید و به همین جهت حضور آگاهانه، تاکید می کنیم آگاهانه، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان در صحنه سیاسی و مبارزه با استبداد و ارتجاع فوق العاده با اهمیت است. در اوضاع فعلی، وظیفه مبرم جنبش کارگری در عرصه مبارزه عام سیاسی برقراری پیوند میان مبارزه اقتصادی با مبارزه سیاسی و تلفیق اصولی آن با توجه به شرایط و امکانات موجود به منظور تقویت جنبش دموکراتیک سراسری است. بررسی تاریخ جنبش کارگری میهن ما در دوران های مختلف این حقیقت را آشکار می سازد که با تشدید تضاد و رویارویی طبقاتی مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی فرا روییده و بنابر این سازماندهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نه تنها برای نیل به هدف های صنفی رفاهی ضرور است، بلکه برای نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و صلح و تنش زدایی در مقابل ماجراجویی و خطر مداخله خارجی در راستای ایجاد تحولات بسود منافع و خواست اکثریت مردم کشور یک الویت انکار ناپذیر قلمداد می شود. برای آنکه بتوان سدی در مقابل یورش ارتجاع به حقوق و منافع زحمتکشان ایجاد کرد، راهی به جز تقویت جنبش سراسری ضد دیکتاتوری و تشدید مبارزه بر ضد استبداد و دولت حامی کلان سرمایه داران وجود ندارد. این نقطه نظر که از جانب ارگان هایی نظیر خانه کارگر تبلیغ می شود با این محتوی که مبارزه کنونی زحمتکشان فقط و فقط در چارچوب امور صنفی و مسایل اقتصادی می گنجد و تنها این مبارزه را باید سازماندهی کرد به هیچ رو به سود طبقه کارگر و منافع صنفی و سیاسی آن نیست. همان قدر که در عرصه مبارزه صنفی با توجه به اوضاع کنونی می توان در راه ایجاد سندیکاهای واحیاء حقوق سندیکایی سازماندهی را از شعارهای حداقلی آغاز کرد و بذره های آگاهی را به این ترتیب در مراکز کارگری افشاند، در عرصه مبارزه عام سیاسی باید بی تزلزل و پیگیرانه استبداد و ارتجاع و رژیم ولایت فقیه را به عنوان سد اصلی راه تکامل جامعه در برابر توده های وسیع زحمتکشان مورد حمله قرار داد و پیوسته دست به افشای آن زد! لذا طبقه کارگر ایران مبارزه ثابت قدم علیه استبداد و ارتجاع است.

### \* مبارزه برای تامین منافع صنفی و احیاء حقوق سندیکایی:

بی گمان سال گذشته با وجود فشار شدید ارتجاع حاکم، جنبش سندیکایی کارگران ایران گام های جدی و ارزشمندی به جلو برداشت. مبارزه دلیرانه سندیکای کارگران شرکت واحد در این زمینه یک نمونه گویا به شمار می آید. استقبال کم نظیر کارگران از ایجاد واحیاء سندیکاهای مستقل طی چند سال اخیر سابقه نداشته است. مبارزه برای ایجاد سندیکاهای مستقل و احیاء حقوق سندیکایی در اوضاعی دشوار و پیچیده جریان دارد و باید شرایط، امکانات و توانایی ها را به درستی و بدون ذهنی گرایی دید و از آنها استفاده برد.

اکنون در جنبش سندیکایی کارگران میهن ما نقطه نظرات و دیدگاه های مختلف و متفاوتی به چشم می خورد. در واقع ما به دلیل وضعیت داخلی و خارجی و نیز اختناق



نیروهای امنیتی با پرچم های مبارزه برای حقوق بیشتر و شرایط کاری بهتر در مراسم اول ماه مه شرکت کردند.

\* در سری لانکا دولت با توجه به شرایط امنیتی موجود بدلیل اوجگیری دوباره درگیری بین ارتش و چریک های «ببر های

تامیل»، تظاهرات اول ماه مه را ممنوع اعلام کرد.

\* در اندونزی بیش از ۱۰۰۰۰۰ کارگر در خیابان ها بر ضد قانون کاری که مزایای اخراج از کار را ملغی کرده، قرارداد های موقت و «منعطف» را مقرر می سازد و امنیت کاری را از بین می برد، به تظاهرات اعتراض آمیز دست زدند. در خیابان های مرکزی جاکارتا هزاران کارگر شعار می دادند: «قانون کار را عوض نکنید!» حدود ۱۳۰۰۰ پلیس مسلح با حربه های ضد شورش در خیابان ها مستقر بودند.

\* در فیلیپین سربازان ارتشی و نیروهای پلیس با باتون و سپرهای مخصوص ضد شورش صدها فعال چپ را که کوشش می کردند با شعار های افزایش حقوق و درخواست استعفای رئیس جمهوری، خانم گلوریا ماکاپاگال آریو، به طرف کاخ ریاست جمهوری راهپیمایی کنند، از میانه راه برگرداندند. پس از برگزاری گردهمایی های اول ماه مه در پارک های اطراف بیش از ۷۰۰۰ کارگر طرفدار نیروهای چپ و هواداران رئیس جمهوری قبلی، جوزف استرادا، که سال گذشته بر کنار شد، در حالی که پلاکارد سرخ بزرگی با شعار «سرنگون باد گلوریا!» به طرف کاخ ریاست جمهوری راهپیمایی کردند. پلیس با باتون و سپرهای ویژه ضد شورش مانع پیشروی آنان شد.

\* در بنگلادش هزاران کارگر کارخانه های نساجی و تهیه لباس با خواست حذف تعرفه های ویژه ایالات متحده و اتحادیه اروپا بر روی منسوجات تولیدی در این کشور، و طرح این شعار که این تعرفه ها در نهایت به ورشکستگی این صنایع خواهد انجامید، در تظاهرات و راهپیمایی های اول ماه مه شرکت کردند.

\* در کره جنوبی تظاهر کنندگان با خواست برابری شرایط کاری و امنیت شغلی مساوی برای تمامی کارگران و تعهد به مقابله برای خنثی کردن تلاش های دولت برای انعقاد یک موافقتنامه تجارت آزاد با ایالات متحده در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند.

### \* شرکت نماینده حزب توده ایران در گردهمایی اول ماه مه در کاردیف در دفاع از حقوق سندیکایی

نماینده کمیسیون امور کارگری حزب توده ایران به دعوت اتحادیه های کارگری ویلز- در گردهمایی اول ماه مه فعالان سندیکایی چپ در کاردیف، پایتخت ویلز، شرکت و در رابطه با اوضاع پیچیده کشور و مبارزات کارگران بر علیه قراردادهای موقت، خصوصی سازی های پر دامنه شرکت های دولتی سخنرانی کرد. در این مراسم حقوقدان برجسته جنبش سندیکایی بریتانیا، آقای جان هندی، خانم شیان جیمز، عضو پارلمان انگلستان از شهر سوانزی، و از فعالان سرشناس مدافع سندیکای معدنچیان در جریان اعتصاب یک ساله تاریخی شان در سال ۱۹۸۵، خانم کاترین ویلیامز، صدر اتحادیه کارمندان بخش دولتی، «پی.سی.اس.»، و رفیق جان هایت، سردبیر روزنامه چپ انگلیسی زبان «مورنینگ ستار»، و عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست انگلیس دیگر سخنرانان بودند.

ریاست این جلسه را که در ساختمان مرکزی اتحادیه کارگران حمل و نقل «تی.اند.جی.دبلیو.یو.» برگزار شد و تم اصلی آن دفاع از حقوق سندیکایی بود، رفیق دومینیک مک اسکول، از مسئولان اتحادیه کارمندان بخش عمومی «یونیسون»، به عهده داشت. جان هندی در سخنرانی خود اظهار داشت که «امروز حق اعتصاب بدون خطر اخراج از کار باید در ارجحیت شماره یک جنبش اتحادیه های کارگری بریتانیا قرار گیرد.» این وکیل سرشناس و رهبر جنبش خواهان لغو قوانین ضد کارگری اضافه کرد:

### شعار محوری اول ماه مه در جهان: مبارزه برای صلح جهانی و حقوق سندیکایی

میلیون ها کارگر، فعال سندیکایی و طرفداران سوسیالیسم، در روز ۱۱ اردیبهشت ماه، در اقصی نقاط پنج قاره جهان، با شعار های مبارزاتی در دفاع از صلح جهانی و در طلب حقوق سندیکایی به راهپیمایی پرداختند.

\* در آلمان اعضای اتحادیه های کارگری بر ضد عواقب مهلک «جهانی شدن» سرمایه داری برای بزرگترین اقتصاد اروپا به یک راهپیمایی اعتراضی دست زدند. آنان شرکت های سرمایه داری را متهم کردند که در جستجوی سود و منفعت آنی هزاران فرصت شغلی را قربانی کرده اند. تظاهر کنندگان از دولت خواستار تعیین حداقل حقوق شدند. رهبر فدراسیون اتحادیه های کارگری آلمان، مایکل سومر، انتقاد کرد که علاوه بر نرخ بالای بیکاری در آلمان، این کشور ارتشی رشد یابنده از کارگرانی دارد که در ازای دستمزد نازلی مجبور به کار هستند. او خطاب به ۱۰۰۰۰ تظاهر کننده اول ماه در ولفسبورگ، مرکز کمپانی اتومبیل سازی فولکس واگن گفت: «ما شرایط کاری مانند ایالات متحده را قبول نخواهیم کرد.» او دولت را برای «تحمیل فشار فوق العاده بر کسانی که برای مدت طولانی بیکار بوده اند» مورد حمله قرار داد. نرخ بیکاری در آلمان نزدیک به ۱۲ درصد است. تظاهر کنندگان چپ گرا در شهر لایپزیگ، در شرق آلمان، با ایجاد مانع جلو راهپیمایی ۲۵۰ نفر از طرفداران نئونازی را گرفتند و با نیروهای امنیتی و انتظامی به زد و خورد پرداختند.

\* در مسکو ۲۵۰۰۰ نفر در تظاهراتی که از سوی حزب حاکم، روسیه متحد، در خیابان مرکزی تورسکایا سازمان داده شده بود، شرکت کردند و به سخنرانی رهبران اتحادیه های کارگری و شهردار مسکو، یوری لوژکوف، و همچنین یک کنسرت موسیقی گوش دادند. شهردار مسکو که عضو حزب روسیه متحد است دولت را بخاطر اینکه از درآمد های چندین میلیارد دلاری نفت برای بهبود شرایط زندگی زحمتکشان استفاده نمی کند، مورد سرزنش قرار داد. او گفت که حداقل حقوق ماهانه که اخیراً به ۱۱۰۰ روبل (معادل ۵۲ دلار) افزایش یافته «یک رسوائی، و ننگ آور است.» حداقل ۱۰۰۰۰ کمونیست از میدانی که مجسمه لنین در آن قرار دارد، به سوی منطقه گردهمایی سنتی خود در مقابل تاتر بلشوی، که مجسمه مارکس در آنجا قرار دارد، راهپیمایی کردند. در کل یک و نیم میلیون نفر از مردم روسیه در مراسم اول ماه مه شرکت کردند.

\* در استانبول تظاهرات اول ماه مه با شعار مقابله و مخالفت با صندوق بین المللی پول و ایالات متحده آمریکا به خشونت کشید و در درگیری با نیرو های امنیتی ۴۰ نفر تظاهر کننده دستگیر شدند.

\* در بوسنیا کارگران بیکار در خیابان مرکزی سارایوو راهپیمایی کردند و خواستار استعفای دولت و انتخابات جدید شدند. کارگران دولت را به بی عملی در رابطه با بیش از ۴۰ درصد بیکاری متهم می کنند.

\* در وین بیش از ۱۲۰۰۰۰ تن از نیروهای مخالف دولت راست حاکم در تظاهرات اول ماه مه شرکت کردند.

\* در کشورهای مختلف آسیا صدها هزار کارگر و فعال سندیکایی بررغم محدودیت های ایجاد شده از سوی پلیس و

کمونیستی در سازماندهی کارزار مقاومت خلق ها بر «ضد این طرح ها که بدون شک جز تخریب و نابودی، فقر و اسارت خلق های خاورمیانه هدفی ندارند» اشاره شده است. «چه راه بهتری برای ادا کردن این وظیفه حیاتی جز متحد کردن کمونیست های اردن! ما اطمینان داریم که برگزاری موفق کنگره وحدت کمونیست های اردن به شکل قابل توجه و کیفی به پیشبرد مبارزه طبقه کارگر اردن و مردم خاورمیانه کمک خواهد کرد.»

در خاتمه پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران اشاره می کند: «ما حمایت خود را از ابتکار شما را اعلام می داریم و برایتان آرزوی پیروزی داریم. ما مایلیم در رابطه با علاقه و تعهد مان به روابط پویا، مبارزه جویانه، عملی و برادرانه حزب توده ایران و حزب کمونیست اردن به شما اطمینان دهیم. با بهترین آرزوهایمان برای توفیق شما در مبارزه برای صلح و پیشرفت.» پیام حزب با شعارهای «زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!» و «زنده باد مبارزه برای صلح در جهان!» پایان می یابد.

### ادامه جنبش کارگری و تحولات میهن...

حاکم با طیف رنگارنگی از نظرات در این جنبش مواجه هستیم. رژیم با علم به این موضوع تلاش حساب شده ای را برای ایجاد اغتشاش فکری و تفرقه اندازی به کار می برد. در این زمینه باید هوشیار بود و وحدت جنبش سندیکایی نو پای کارگران را به عنوان اصلی ترین وظیفه مد نظر قرار داد. حزب توده ایران به مثابه حزب طبقه کارگر ایران چه در گذشته و چه در حال حاضر تاکید کرده و می کند که اختلاف دیدگاه موجود در میان گروه های زحمتکشان برای تامین وحدت عمل و وحدت سندیکایی به منظور نیل به هدف های مشترک هرگز مانع غلبه ناپذیر قلمداد نمی شود و نباید قلمداد شود.

سندیکاهای کارگری، مرکز تجمع و تشکل مجموعه کارگران صرف نظر از تفاوت های عقیدتی، سیاسی، مذهبی، مسلکی، قومی و نژادی آنان است. همه کارکنان فکری ویدی زیر پوشش سندیکاهای اتحادیه ها قرار می گیرند. به عبارت دقیق تر سازمان های سندیکایی به وسیع ترین توده های زحمتکش تکیه دارند و عام ترین مسایل دفاع از حقوق صنفی را مطرح و برای آن مبارزه می کنند. بنابر این باید با هرگونه تنگ نظری و ذهنی گرایی مقابله کرد. در این خصوص تجربیات ارزشمندی از تاریخ جنبش کارگری سندیکایی در دوران شورای متحد مرکزی و نیز پس از انقلاب بهمن ۵۷ وجود دارد که می تواند سرمشق همه فعالان کارگری قرار گیرد.

در ارتباط با جنبش سندیکای تکیه بر دو نکته که جنبه اصولی دارند ضرور است. نخست اینکه سندیکا اصولاً جنبش سندیکایی جنبشی خنثی و غیر جانبدار در عرصه سیاسی نیست. جنبش سندیکایی کارگران، جنبشی مستقل و قائم بالذات است و قوانین رشد خاص خود را دارد. این به معنای عدم ارتباط و بیگانگی با مسایل سیاسی و دوری از آن نیست و نمی تواند باشد. جنبش سندیکایی در عرصه سیاسی جانبدار و هدفمند عمل می کند.

نکته دوم این مساله با اهمیت است که فعالیت سندیکایی باید در پیوند نزدیک و سرشتی با توده زحمتکشان در کارگاه ها و کارخانه ها قرار داشته باشد، فقط از این راه است که سازمان سندیکایی می تواند از خواست های مشروع زحمتکشان مطلع گردد و با توجه به امکانات و اوضاع، این خواست ها را مورد بررسی قرار دهد و برای تحقق آنها راه و شیوه مناسبی متناسب با وضعیت موجود برگزیند و برای نیل به هدف، تحت شعارهایی که با احساس مسئولیت و به درستی تنظیم کرده است، زحمتکشان را بسیج و سازماندهی نماید.

اصول کار سندیکایی تحکیم ارتباط با توده های کارگر و رابطه دموکراتیک با آنها را ایجاد می کند، تقویت سندیکا و احیاء حقوق سندیکایی فقط از رهگذر آگاهی زحمتکشان امکان پذیر است.

با توجه به آنچه اشاره گردید، جنبش کارگری میهن ما پا به پای تحولات کشور رشد و گسترش می یابد و بخش جدایی ناپذیر آن است. آینده و مضمون این تحولات با درجه حضور جنبش کارگری در دو عرصه عام و خاص سیاسی و صنفی در ارتباط است. حضور کارگران و زحمتکشان ضامن کامیابی جنبش مردمی در مبارزه با ارتجاع و استبداد است.

## وحدت کمونیست ها در اردن

کنگره وحدت کمونیست های اردن در روزهای ۱۰ و ۱۱ اردیبهشت ماه جاری، با شرکت حزب کمونیست اردن و گروه ها و شخصیت های منفرد کمونیست این کشور، برگزار شد. رفیق دکتر منیر همارنه، دبیر کل حزب کمونیست اردن، در اطلاعیه بی خطابه به احزاب برادر جهان، که قبل از کنگره منتشر شد، این ابتکار مهم را نتیجه «کوشش های مداوم دو سال گذشته» و «جلسات بحث، بررسی و گفت و گو های بی شماری، که با شرکت صد ها کمونیست از سازمان های موجود و همچنین کمونیست های منفرد خارج از سازمان ها و همچنین دوستان برگزار شد» قلمداد کرد. در اطلاعیه دبیر کل حزب برادر همچنین به «قبول تدریجی فراخوان وحدت توسط کمونیست ها، دوستان آن ها و نیروهای دموکراتیک و مترقی» اشاره می شود و همچنین مطرح می گردد که این بحث ها «نهایتاً به برخی اشارات مهم در رابطه با مسائل مربوط به حیات درونی حزب کمونیست اردن و سیاست عمومی آن» منجر شدند. رفیق دکتر همارنه در ادامه همین اطلاعیه به این مسأله اشاره می کند که «امید است که این کنگره اهرم قدرتمندی در ارتقاء عمل کمونیست ها و جذب بقیه کمونیست ها به منظور حفظ و تقویت وحدت کمونیست ها اردن» بشود. به گفته رفیق همارنه: «وحدت گامی ضروری به سمت قدرت بخشیدن به جنبش ملی اردن برای استقلال و حاکمیت ملی، حفاظت از منافع و حقوق اجتماعی مردم اردن، آزادی و دموکراسی عمومی، و شرکت در مبارزه بر ضد سیاست های تجاوزگرانه امپریالیست ها و صهیونیست ها که متوجه همه کشورهای عربی است، و تشدید مقابله با نیروهای مدافع جهانی شدن خشن می باشد.»

کنگره وحدت توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست اردن و کمیته تدارک وحدت کمونیست های اردن سازماندهی و برگزار شد و در آن «رقبایی از گروه های مختلف کمونیستی در سطوح مختلف رهبری، و همچنین اعضای حزب کمونیست اردن و کمونیست هایی خارج از هرگونه سازمانی» شرکت داشتند.

### پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

از سوی کمیته مرکزی حزب توده ایران پیامی، به تاریخ ۸ اردیبهشت ماه، خطاب به کنگره وحدت به کمیته مرکزی حزب برادر تسلیم شد. در این پیام از جمله آمده است: «ابتکار به موقع، اصولی و متهورانه توسط کمیته تدارک وحدت کمونیست های اردن به برگزاری چنین کنگره مهمی در آستانه اول ماه مه، ارزشی بسزا و نمادینه پیدا می کند. برای کمونیست ها که همیشه پرچم و شعار «زحمتکشان جهان متحد شوید!» را برافراشته نگهداشته اند و هیچ راه بهتری برای نمایش وفاداری به این شعار، جز برداشتن گام های عملی برای وحدت بخش های پیشاهنگ جنبش طبقه کارگر، کمونیست ها، وجود ندارد.» در پیام کمیته مرکزی حزب مان به کنگره وحدت کمونیست های اردن پس از اشاره به اینکه کنگره در شرایط بس خطرناک و حساسی که در خاورمیانه حاکم است، برگزار می شود و توضیح اهداف امپریالیسم آمریکا برای گسترش هژمونی خود بر همه عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خلق های منطقه، به رسالت احزاب و نیروهای



## حمید کرزای و دعوت به همکاری طالبان!

تمام برادرانی که هنوز ناآگاهانه برده‌ی تبلیغات هستند، می‌خواهم تا باعث کشتار، ایجاد ناامینیتی و حمام خون، بنا به دستور دیگران، نشوند و از آنها می‌خواهم تا به سرزمین خود برگردند و به هم میهنان خود خدمت کنند. (روترز ۲۸ آوریل ۲۰۰۶)

حکومت کرزای و نیروهای آمریکایی، پس از چند سال در دست داشتن قدرت، نه تنها بر خلاف وعده‌های داده شده، نتوانسته‌اند امنیت و ثباتی را در این کشور ایجاد کنند، بلکه به دلیل سیاست‌های چپاول‌گرانه و مبتنی بر منافع آمریکا سبب افزایش درگیری‌های نظامی و عدم ثبات و ناامنی شده‌اند. حکومت کنونی افغانستان و سیاست‌مداران دولت آمریکا این خطر را حس کرده‌اند که ادامه چنین روندی می‌تواند منجر به سقوط حکومت کنونی افغانستان، کاهش بیش از پیش وجهه‌ی آمریکا در جهان و ضربه‌ی جدی به طرح نو لیبالی خاور میانه بزرگ گردد.

جالب است که توجه کنیم که شیوه عمل ایالات متحده در افغانستان و عراق، سبب شده تا این دو کشور در زمره‌ی ناامن‌ترین، و بی‌ثبات‌ترین کشورهای جهان قرار بگیرند. بنا به گزارش مجله‌ی «صلح و سیاست خارجی» منتشره در واشنگتن، در بین ده کشوری که در صدر ناامن‌ترین و بی‌ثبات‌ترین کشورها قرار دارند، عراق مقام چهارم، رتبه‌ای که در سال ۲۰۰۵ داشت، و افغانستان با یک رتبه صعود از مقام یازدهم، مقام دهم را دارند. افغانستان در این لیست پس از همسایه خود پاکستان قرار دارد که از پشتیبانی آمریکا برخوردار است. کشور دیگری که در زمره‌ی ده کشور اول قرار دارد، هائیتی است، کشور دیگری که توسط نیروهای آمریکایی اشغال شده و کنترل می‌شود. (آژانس خبری اینتر پرس ۲ مه ۲۰۰۶)

این وضعیتی است که سیاست‌های نظامی‌گرانه آمریکا برای مردم این کشورها به ارمغان آورده است: ناامنی، بی‌ثباتی، جنگ، خشونت و کشتار مردم بی‌گناه، یعنی اینکه نظامی‌گری آمریکا در مسیر خود علاوه بر از بین بردن شرایط سالم برای رشد افکار عمومی و فعالیت نیروهای سیاسی مترقی و مردمی، بنیان‌های اقتصادی و سیاسی کشورها را نیز به نابودی می‌کشاند و شرایط را برای رشد نیروهای ناسالم و افراطی مهیا می‌سازد.

در شرایط کنونی، افغانستان صحنه برخوردهای نظامی سنگین بین طالبان و نیروهای دولتی است که نتیجه آن بی‌ثباتی و ناامنی برای مردم بوده است. همه ناظران مطلع معتقدند که با توجه به تحولات حاضر این کشور، باید منتظر درگیری‌های وسیع تر و خونین تری در افغانستان باشیم.

### ادامه شعار محوری اول ماه مه...

«آزادی به اعتصاب مردم زحمتکش را قادر می‌کند که منافع و خواست‌های خود در هر عرصه دیگری را به پیش برانند، از شرایط ایمنی و بهداشتی کار گرفته تا حقوق بازنشستگی.» خانم شیان جیمز، که یکی از ۱۴۵ عضو پارلمان انگلیس است که قطعنامه مربوط به حمایت از «لایحه آزادی اتحادیه کارگری» را امضاء کرده‌اند در سخنرانی خود ضمن افشاء سوء استفاده آژانس‌های کاریابی برای کارگران خارجی در انگلستان به ضرورت بهبود شرایط کاری کارگران مهاجر اشاره کرد. نماینده کمیسیون کارگری حزب مان در سخنرانی خود ضمن تشریح مبارزات متنوع کارگران کشور و تلاش‌های جنبش کارگری در سال گذشته به ایجاد سندیکاهای مستقل کارگری به مبارزه کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اشاره کرد. او از سازمان‌های سندیکایی و اتحادیه‌های کارگری جهان خواست که برای آزادی همه سندیکالیست‌های زندانی در ایران و به ویژه آقای منصور اسانلو، رهبر سندیکای شرکت واحد، کوشش کنند. نماینده حزب مان در ادامه سخنرانی خود به شرایط بغرنج و حساس منطقه به ویژه در رابطه با تهدیدات ایالات متحده به حمله نظامی به ایران در رابطه با مسئله هسته‌ای اشاره کرد، و موضع ایالات متحده را متوجه کسب برتری در منطقه با هدف کنترل منابع سرشار انرژی دانست. او سخنان خود را که با استقبال گرم حضار روپرو شد با شعار «همبستگی بین‌المللی آری، مداخله جویی امپریالیستی نه!» پایان داد.

با بالا گرفتن درگیری‌ها بین طالبان و نیروهای ائتلافی و دولت افغانستان، در جنوب افغانستان، ایالات متحده و ناتو به تلاش افتاده‌اند تا از گسترش نفوذ طالبان، از طریق افزایش نیروی نظامی، بکاهند. دولت کرزای که تحت نظارت مستقیم آمریکا عمل می‌کند، در تلاش است تا کنترل کامل افغانستان را به دست بگیرد. اما در ماه‌های اخیر با حملات گسترده‌ای از سوی نیروهای طالبان روبرو شده است و این خطر را حس کرده است که اسلام‌گرایان افراطی طالبان می‌توانند بر اثر افزایش تشنج و درگیری‌ها، حکومت او را با خطرات جدی رو به رو سازند.

به گزارش خبرگزاری «رویتر»، وزیر امور خارجه ناتو در نشست اخیر خود در صوفیه اوضاع متشنج شرق و جنوب افغانستان را، که پس از سقوط طالبان، در سال ۲۰۰۱ توسط نیروهای آمریکایی، بی‌سابقه وخیم بوده است، مورد بررسی قرار داد. نگرانی ناتو گسترش دامنه عملیات نظامی طالبان و از دست رفتن کنترل افغانستان است و این به خوبی در سخنان «هنک کمپ» وزیر دفاع آلمان مشاهده می‌شود.

کمپ که برای یک دیدار رسمی وارد استرالیا شده بود تا در مورد همکاری‌های مشترک بین نیروهای نظامی هلند و استرالیا، که به عنوان بخشی از نیروهای ناتو در افغانستان حضور دارند، مذاکره کند در همین زمینه گفت: «شکست برای نیروهای ائتلافی و نیروهای نظامی افغانستان در جنوب، راه را برای تجدید حیات طالبان‌ها باز خواهد کرد.» (خبرگزاری ملی ۹ استرالیا ۲۴ آوریل ۲۰۰۶)

او ضمن برشمردن اهمیت پیروزی در این منطقه و حیاتی بودن آن برای دولت افغانستان اضافه کرد: «این وظیفه دشواری برای ما در جنوب افغانستان خواهد بود... و برای همه ما ضروری است که در آن موفق شویم، زیرا بدون موفقیت در جنوب افغانستان، موفقیتی در سراسر افغانستان به دست نخواهد آمد... اگر طالبان آنجا را از دست بدهد، همه چیز را از دست خواهند داد.» (همانجا)

چند روز پس از آن نیز، حمید کرزای، در چهاردهمین سالگرد سقوط حکومت خلقی افغانستان و روی کار آمدن طالبان به کمک آمریکا و پاکستان، از طالبان خواست تا دست از شورش برداشته و به کشور بازگردند.

این تکاپوی همگانی از سوی ناتو و کرزای در شرایطی صورت می‌گیرد که نیروهای حامی طالبان در چند ماه اخیر به دلیل عدم ثبات در دولت کرزای و نابسامانی‌های رو به افزایش این حکومت تحت کنترل آمریکا، توانسته‌اند برخی از پایگاه‌های خود را دوباره به دست آورند و حملات وسیعی را برضد نیروهای افغانستان و ارتش نیروهای ائتلافی صورت دهند و تهدیدی جدی‌یی را برای دولت کرزای به وجود آورند. کرزای در همین رابطه گفت: «من از



### ادامه قطعنامه شورای امنیت....

خبرنگار «سی.ان.ان» اظهار داشت: «وقتی من سال ۷۶ با خبرنگار «سی.ان.ان» مصاحبه کردم، ایران در افکار عمومی جهان و آمریکا موقعیت خوبی نداشت. من در قالب این مصاحبه می خواستم فضا را بشکنم و نتیجه کار هم این شد که آلبرایت به صراحت از اشتباهات و سیاست های نادرست آمریکا علیه ایران سخن گفت و کلیتون نیز در اظهاراتی که در آن مقطع زمانی داشت، به نوعی از ایران عذرخواهی کرد و موضع آمریکا عوض شد.» به گزارش پایگاه خبری امروز رئیس موسسه بین المللی فرهنگ ها و تمدن ها ادامه داد: «نظر حضرت امام (ره) نیز این بود که اگر آمریکا عذرخواهی کند، راه برای مذاکره باز می شود. در آن زمان سیاست کلی نظام بر ایجاد رابطه با آمریکا استوار نبود و امروز نیز نمی دانم با چه طرح و انگیزه ای این نامه نوشته شده و چه آثاری دارد... نمی دانم این نامه به لحاظ آمادگی ایران برای مذاکره نوشته شده و یا استراتژی نظام در مورد آمریکا عوض شده که چنین نامه ای نوشته شده است.»

نامه احمدی نژاد هنگامی به بوش ارسال شد که پیش از آن وزاری امور خارجه پنج کشور عضو شورای امنیت در دیدارهای فشرده یی تلاش می کردند در راستای رسیدن به متن قطعنامه مشترکی درباره ایران به توافق برسند. که البته متن قطعنامه تهیه شده از سوی آمریکا، انگلیس و فرانسه با مخالفت روسیه و چین روبه رو شد. کاندولیزا رایس، وزیر امور خارجه آمریکا در مصاحبه یی با «سی.ان.ان» اعلام کرد که توافق شده است که کشورهای اروپایی یک رشته پیشنهاداتی را به ایران برای حل بن بست کنونی ارائه دهند و دو هفته به ایران مهلت داده شود تا به این پیشنهادات پاسخ مثبت دهد.

در کنار این خبرها مجله آمریکایی «تایم» نیز متن نامه یی را از سوی حسن روحانی، نماینده ولی فقیه، در شورای امنیت ملی، منتشر کرد که حاوی پیشنهادات او برای حل بن بست کنونی است. حزب توده ایران همچنان معتقد است که باید با تحفیف بحران و حرکت به سمت گشایش باب مذاکره از صدور قطعنامه بر ضد ایران، در شورای امنیت سازمان ملل، جلوگیری کرد. تجربه گذشته، و خصوصاً تحولات دردناک عراق نشان داد که صدور قطعنامه با بند و شرط های کلی راه را برای مداخله و فشار بیشتر بر کشور باز می گذارد و از این رو باید با همه توان در راه جلوگیری از آن تلاش کرد.

زمینه تشنج کنونی پیش از آنکه به برنامه هسته ای ایران ارتباط داشته باشد به مسأله اعمال سیاست های امپریالیسم در منطقه و نقش دولت کنونی ایران در مقابل آن ارتباط دارد. حضور نظامی نیروهای امپریالیستی در عراق، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه به اوج گیری

تشنج و درگیری های قومی - مذهبی منجر شده است و هرگونه تشدید فعالیت های نظامی در منطقه و از جمله حمله نظامی به ایران تنها به بالاتر گرفتن دامنه درگیری ها در وسعت کل خاورمیانه و تشدید شعله های جنگ و خونریزی های بیشتر می انجامد. هیچ نیروی انسان دوست و صلح طلبی را نمی توان یافت که نگران شرایط کنونی و عواقب تشدید درگیری های سیاسی - نظامی، به ویژه بر روی بشکه باروت جهان - خاورمیانه - نباشد. تلاش در راه جلوگیری از درگیری های جدید بخش مهم و جدانپذیری از تلاش برای بیرون راندن نیروهای نظامی خارجی از منطقه خلیج فارس و خاورمیانه و استقرار صلح در این منطقه بحران خیز جهان است.

حزب توده ایران بار دیگر ضمن اعلام خطر در زمینه بالا گرفتن تشنج و صدور قطعنامه درباره ایران در شورای امنیت معتقد است که باید با اتکاء به افکار عمومی جهان که عموماً و با قاطعیت مخالف جنگ دیگر و مداخله نظامی در امور ایران است با پیشبرد مذاکرات و بررسی همه امکانات برای حل و فصل صلح آمیز معضلات کنونی راه را به سمت تأمین منافع ملی ایران و صلح در منطقه و جهان بگشاید.

حزب توده ایران بر خلاف نظر شماری از نیروهای سیاسی کشور اعتقاد ندارد که دخالت خارجی در ایران راه دست یابی مردم ما به آزادی و حقوق دموکراتیک شان است. تجربه دیگر کشورهای منطقه گواه نیرومند نادرستی چنین نظراتی است.

مبارزه مردم ما برضد رژیم استبدادی ولایت فقیه امری داخلی است و تنها با مبارزه مشترک همه گردان های اجتماعی و نیروهای سیاسی ترقی خواه کشور به سرانجام موفق خواهد رسید. مردم ایران بلوغ سیاسی، اراده کارا و هوشیاری لازم را برای حل و فصل مسایل خود از هر نوع دارند. هرگونه دخالت تجاوزکارانه در امور چنین کشوری از قبل محکوم به شکست است.

نبرد نو با کهنه، مدرنیسم با سنت گرایی، دانش با خرافات، و دموکراسی با استبداد ریشه های عمیق و رو به رشدی در جامعه پیدا کرده است. دخالت خارجی، به ویژه نظامی، تأثیر مخربی در این آهنگ رشد ایجاد خواهد کرد و در تحلیل نهایی آب به آسیاب ارتجاع و استبداد خواهد ریخت و منطقه را بیش از پیش به آتش و خون خواهد کشید.

## ادامه ریشه جنگ داخلی ...

و منابع مارکسیستی می شوند، اما ائتلاف با جنبش مترقی سیلانی را تا کنون نپذیرفته اند. حتی در بسیاری از موارد، ببرهای تامیل شخصیت های سیاسی تامیل زبانی را نیز که گوش به فرمان و تحت کنترل آنها نبوده اند، ترور و ارباب کرده اند.

راجا کولور در صحبت هایش به قتل یکی از اعضای هیئت سیاسی و دبیر حزب کمونیست در ناحیه جافنا اشاره می کند که اتفاقاً یک تامیل بود. حزب و دیگر نیروهای چپ پیوسته مورد تهدید تامیل ها قرار دارند. راجا یکی شدن استان شمالی و استان شرقی در یک سرزمین شمال - شرق (عیلام تامیل) را که خواسته ببرهای تامیل است، خطری جدی برای کشور می داند، چرا که اگرچه اکثریت جمعیت استان شمالی تامیلی اند، در استان شرقی چنین اکثریت جمعیت شناسی (دموگرافیک) مشخصی دیده نمی شود. در این استان، جمعیت به طور کمابیش مساوی بین تامیل ها، مسلمانان و سیلانی ها تقسیم شده است و هیچ گروهی از لحاظ تعداد بر دیگری برتری آنچنانی ندارد. بیشتر از ۶۰ درصد تامیل زبانان کشور در خارج از استان های شرقی و شمالی کشور زندگی می کنند، که در عمل خواست ببرهای تامیل برای خودمختاری ملی تامیل را غیر ممکن می سازد. از دید کمونیست های سریلانکا، تامیل های «داخل سرزمین» که اکثرشان در مزارع چای کار می کنند، منبع و سرچشمه قدرت مهمی برای طبقه کارگر کشورند. با وجود این، جای تعجب است که در برنامه ببرهای تامیل هیچ جایی برای این تامیل ها که در استان های مرکزی کشور کار و زندگی می کنند در نظر گرفته نشده است. ادغام و تلفیق با اکثریت سیلانی کماکان معضلی است برای این گروه از تامیل ها. ببرهای تامیل نه تنها سیلانی ها بلکه مسلمانان سریلانکایی تامیل زبان را هم در سرزمین های تحت کنترل شان «پاکسازی» قومی کرده اند. قساوت ببرها علیه مسلمانان، از جمله کشتار بیشتر از ۱۰۰ نمازگزار، در سال ۱۹۹۰ در مسجدی در کاتانکودی در جریان مراسم نماز جمعه، سبب دوری و بیگانگی هر چه بیشتر هدف های آنها (تامیل های سراسر کشور) از ببرها شده است، علی رغم این که با هم زبان مشترکی دارند و این واقعیت که همه آنها (تامیل ها) مورد تبعیض و شوونیسم سیلانی ها قرار دارند.

حزب کمونیست سریلانکا در ضمن این که موضع قاطعی علیه تاکتیک های خشونت آمیز ببرها دارد، اعتقاد راسخ دارد که توافق سیاسی از راه مذاکره و گفتگو تنها راه حلی است که باید در پیش گرفته شود. به اعتقاد حزب، تنها از راه حل و فصل صلح آمیز و پایدار این معضل است که می توان زندگی سیاسی را در استان های شرقی و شمالی به حالت عادی بازگرداند. فقط در آن صورت است که می شود قدرت واقعی حامیان ببرهای تامیل را ارزیابی کرد، بدون این که عامل تهدید و ارباب شورشیان یا سرکوب و اعمال زور نظامی سریلانکا در کار باشد. اگرچه برابری زبان در قانون کشور تصریح و تجلیل شده است، تامیل زبانان هنوز در عمل شهروندان درجه دوم محسوب می شوند. حزب کمونیست سریلانکا هوادار و مبلغ پیشنهاد های اصلاحی مختلفی در مورد مسئله زبان است که خواهان آموزش زبان های سیلانی و تامیل در مدارس به عنوان زبان دوم هستند و در عمل برای نخستین بار منجر به تربیت نسلی از دو زبانه ها می شوند.

پیشرفت در تمام زمینه های خدمات دولتی و کشوری وابستگی زیادی به سطح دوزبانگی جامعه دارد، که ابتدایی ترین مرحله آنها توانایی مکالمه به دو زبان است. در بالاترین سطوح دولتی، کارمندان ارشد دولتی باید بتوانند اسناد و مدارک دولتی را به هر دوزبان تامیل و سیلانی بخوانند و بنویسند. به نظر کمونیست ها، اگر همت و تلاش کافی در اجرای چنین برنامه ای صورت بگیرد، در عرض مدتی در حدود یک نسل جامعه دوزبانه کارایی پدید خواهد آمد. در این صورت، از یک طرف سوء تفاهم ها و تنش های فرقه ای و اجتماعی تسکین و آرامش خواهد یافت و از سوی دیگر، یک دولت دموکراتیک واقعی تضمین خواهد شد که در آن هر شهروندی از حق استفاده از زبان خودش در امور اداری دولتی و در دادگاه ها برخوردار خواهد بود، فارغ از این که در کدام بخش از جزیره زندگی یا کار می کند.

راجا کولور تأکید می کند که «حزب کمونیست معتقد است که این بحران فقط بر پایه گفتگوهای سیاسی قابل حل است. هیچ راه حل نظامی برای این معضل وجود ندارد. به همین دلیل باید با ببرهای تامیل گفتگو و مذاکره شود، چه برخی از دولتیان دوست داشته باشند یا نه.»

## ادامه نگاهی به رویدادهای ایران ....

صورت گرفت شعارهایی نظیر مدیر بی کفایت، استعفا، استعفا، دانشجویان می میرد، ذلت نمی پذیرد و... سر داده شد. دانشجویان هم چنین خواهان عدم تفکیک جنسیتی در مسایل آموزشی و فرهنگی، حل کامل مشکل خوابگاه دختران، بررسی مشکلات حاد رفاهی و سو مدیریت در برگزاری جشنواره کانون ها و دیگر مسایل فرهنگی این دانشگاه شدند. انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان نیز در اعتراض به عدم صدور مجوز برگزاری تریبون آزاد دانشجویی برای بررسی مشکلات دانشجویان در این دانشگاه بیانیه ای صادر کرد. در بیانیه دانشجویان همدان چنین آمده است: هفته پیش در نظر داشتیم با دعوت از دانشجویان و مسوولان دانشگاه، بستری برای بررسی مشکلات دانشجویان و دانشگاه ایجاد نماییم. به همین منظور درخواست مجوز تریبون آزاد در روز سه شنبه ۱۲/۲/۸۵ را به هیات نظارت بر تشکل ها ارائه نمودیم. طبق روال هیات نظارت جدید با تاخیرهای غیر معمول مواجه شدیم تا اینکه روز دوشنبه ۱۱/۲/۸۵ در نامه های بدون امضای رییس هیات نظارت و البته هر گونه دلیلی، مخالفت خود را با برگزاری این برنامه اعلام نمودند. دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان در بیانیه خود خواهان اعتراض به این اقدام شده اند. در روز گذشته تعدادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در اعتراض به صدور حکم برای چند تن از دانشجویان این دانشگاه در ارتباط با حادثه اسفند سال گذشته، در ساختمان ابن سینا این دانشگاه تجمع اعتراضی کردند. دانشجویان با تحصن خود خواهان حضور مسئولین دانشگاه برای پاسخگویی در جمع خود شدند.

در پیوند با اخبار اعتراضات دانشجویی باید به بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر اشاره کرد. این بیانیه به خاطر بازداشت و زندانی شدن رامین جهاننگلو صادر شده است. دانشجویان در بیانیه خود از وضعیت نامعلوم محقق ابراز نگرانی کرده و خواستار روشن شدن وضع وی شده اند. نگرانی مطرح شده از جانب انجمن درباره سرنوشت رامین جهاننگلو واقعاً جدی است. زیرا محسن اژه ای وزیر اطلاعات با تأیید خبر دستگیری رامین جهاننگلو توسط مراجع قضایی، بر اساس وارد کردن اتهامات معمول بر مخالفین و دگراندیشان، اعلام نمود: اتهام جهاننگلو ارتباط با بیگانه است. وزیر اطلاعات بیان کرده است که در حال حاضر جهاننگلو جهت تکمیل بررسی ها درباره موارد اتهامش، که ارتباط با بیگانه عنوان شده، در اختیار وزارت اطلاعات قرار گرفته است. هم چنین به گزارش خبرنگار ایسنا، در روز یکشنبه تعدادی از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در سلف سرویس این دانشکده گردهم آمده و نسبت به برخورد نامناسب انتظامات دانشکده با دانشجویان و اخراج دو دانشجو از دانشگاه اعتراض کردند. تجمع کنندگان علاوه بر این نسبت به نحوه برگزاری انتخابات انجمنهای اسلامی دانشکده های دانشگاه تهران و وقایع اخیر دانشگاه شهید رجایی نیز انتقاد کردند. در این تجمع دانشجویان با خواندن سرود یار دبستانی من و با در دست داشتن پلاکادهایی که روی آنها نسبت به نحوه برگزاری انتخابات انجمن اسلامی دانشکده ها اعتراض داشتند، به اعتراض پرداختند.

## ریشه های جنگ داخلی در سریلانکا و دیدگاه کمونیست های سریلانکایی

حقوق بنیادی شان باید در ارتباط تنگاتنگ با مبارزه همه زحمتکشان سریلانکا برای یک راه رشد سوسیالیستی در نظر گرفته و ارزیابی شود. به همین دلیل، حزب ما در ضمن این که حق خلق تامیل را برای خودمختاری به رسمیت می شناسد، معتقد است که این حق باید از طریق اجرای اصل خودمختاری محلی در درون یک دولت واحد تحقق یابد. ما تردیدی نداریم که این رویکرد، وحدت و یگانگی مردم همه خلق های کشور را در راه پیکارشان برای آزادی ملی و اجتماعی تحکیم و تقویت می کند.»

سه سال پیش از خیزش «ببرهای تامیل» و کشتار خونین ضد تامیلی که کشور را در بر گرفت، حزب کمونیست سریلانکا نسبت به خطر یک کشمکش و مناقشه قومی، در نتیجه عدم حل مسائل قومی کشور، هشدار داد. نظر حزب این بود که امپریالیسم به عنوان بخشی از یک استراتژی «تفرقه بینداز و حکومت کن»، به کینه و عداوت و سوءظن های نژادی دامن زده است و بخشی از جامعه را رو در روی بخشی دیگر قرار داده است. متأسفانه حکومت های دوران پس از استقلال هم نتوانستند راه حل عادلانه ای برای این معضل پیدا کنند. انتقاد کمونیست ها به شیوه عمل گذشته احزاب عمده تامیل این بوده است که آنها به جای تشکیل اتحادها و ائتلاف های اصولی دایمی با احزابی که حامی یک دولت غیر نژادگرای دموکراتیک اند، برای به دست آوردن پشتیبانی، حاضر به همکاری با هر حزب سیلانی ای بودند که به نظر می آمد ممکن است بتواند قدرتی در حکومت به دست آورد. راجا کولور، عضو هیئت سیاسی حزب؛ توضیح می دهد که جواب و واکنش جامعه تامیل به این فرصت طلبی این بود که بخش کوچکی از جوانان رادیکال تامیل راه حلی به همان اندازه اشتباه را در پیش گرفتند و به شیوه های خشونت آمیز و تروریسم متوسل شدند.

### ظهور «ببرهای آزادی بخش عیلام تامیل»

پیدایش «ببرهای تامیل» در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی واکنشی بود به موقعیت «شهروند درجه دوم» بودن خلق تامیل. اگرچه ببرهای تامیل برای توجیه ادعاهایشان نسبت به عیلام تامیل (نامی که در ادبیات تامیل به دولت تامیلی در سرزمین سریلانکا داده شده است، که حکومتی مستقل و مجزا در استان های شرقی و شمالی جزیره سریلانکا خواهد بود)، متوسل به مراجع

با بالا گرفتن درگیری های نظامی میان نیروهای نظامی دولتی و چریک های «ببرهای تامیل»، در هفته های اخیر، بار دیگر خطر جنگ داخلی ویرانگری سریلانکا را تهدید می کند. بدنبال حمله «انتحاری» در کلمبو، پایتخت سریلانکا، در روز ۵ اردیبهشت ماه، که منجر به مرگ ۱۱ نفر و زخمی شدن شدید یک مقام برجسته ارتشی شد، نیروهای هوایی سریلانکا پایگاه های چریک های «ببرهای تامیل» را برای دو روز بمباران کردند و آتش بس چهار ساله در معرض تهدید جدی قرار گرفت. در هفته های گذشته گزارش های متعددی از وسعت گیری برخوردهای نظامی و همچنین درگیری های خونین بین نیروهای رقیب در میان چریک های تامیل منتشر شده است.

در گزارش زیر خبرنگار کمونیست انگلیسی، کنی کوئل، بر پایه مراجعه به اسناد و تحلیل های حزب کمونیست سریلانکا، ریشه های جنگ داخلی و راه های حل مسالمت آمیز مسائل موجود بین دو طرف را مورد بررسی قرار می دهد.

\*\*\*\*\*

بر کسی پوشیده نیست که در جنگ خانمان سوزی که سال هاست رابطه بین اکثریت سیلانی و اقلیت تامیل را به شدت مسموم کرده است، تا کنون ده ها هزار سریلانکایی جانشان را از دست داده اند. درگیری ها و کشتارهای قومی و نژادی، قتل عام های وحشیانه، عملیات سرکوبگرانه ضد شورش و بمب گذاری های انتحاری از مشخصه های جنگی هستند که بخش های بزرگی از این کشور را به نابودی کشانده است. از لحاظ ترکیب قومی، در حدود ۷۵ درصد جمعیت سریلانکا را سیلانی ها تشکیل می دهند که به طور عمده بودایی اند. در حدود ۱۸ درصد جمعیت تامیل زبان اند که گرچه به زبان مشترکی صحبت می کنند اما به هیچ روی یک جامعه یکدست و واحد نیستند، و به طور عمده به سه گروه خاص تقسیم می شوند. عمده ترین گروه تامیل های «درون سرزمین» اند که در سریلانکای مرکزی متمرکزند که از بزرگترین نواحی چایکاری کشور محسوب می شود. اهالی این منطقه ریشه های قومی چندین نسل پیش خود را منسوب به تامیل هایی می دانند که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی توسط انگلیسی ها برای کاری در یکی از مرغوب ترین چای کاری های امپراتوری بریتانیا به این محل آورده شدند. در تلاش برای بهره وری از خاک حاصلخیز این جزیره، بریتانیا قواره های بسیار وسیعی از منطقه ناهموار مرکزی آن را تبدیل به چای کاری هایی کرد که بعضی از مرغوب ترین انواع چای در جهان را برای کارخانه های انگلیسی تأمین می کردند. از آنجا که سیلانی ها هیچ سابقه کشت چای نداشتند، بریتانیایی ها ده ها هزار تامیل را از جنوب هندوستان برای کار در مزارع چای «وارد» کردند. حتی امروز نیز تقریباً تمام چای کاران سریلانکا، تامیل هستند. گروه دوم مسلمانان تامیل زبانند که در حدود ۷ درصد جمعیت را تشکیل می دهند و شناسایی آنها به عنوان یک گروه مجزا از بقیه آسان تر است چرا که سنت ها و اعتقادات مذهبی مشترکی دارند. ریشه تاریخی مابقی جمعیت تامیل کشور به موج های مهاجرت بعدی تامیل ها به این منطقه و لشکر کشی های سده های گذشته باز می گردد.

راجا کولور، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست سریلانکا، در مصاحبه بی با مطبوعات، در کلمبو (پایتخت سریلانکا)، نظر کمونیست های سریلانکا را بیان کرد که اعتقاد اساسی به راه حل صلح آمیز برای جنگ داخلی ده ها ساله کشور دارند. در سال ۱۹۸۰ در ۱۱ امین کنگره حزب، کمونیست های سریلانکا بررسی جامعی از این معضل ملی کشورشان به عمل آوردند که معتقدند گذر زمان درستی آن را ثابت کرده است. آن طور که در برنامه حزب آمده است کمونیست ها: «معتقدند که پیکار تامیل های سریلانکا برای احقاق

### ادامه در صفحه ۱۱

#### کمک های مالی رسیده

به یاد شاعر اول ماه مه، شهید حسن حسین پور تبریزی

۲۰۰ دلار

۲۰۰ یورو

۷۰۰ کرون

۱۰۰۰ دلار

به مناسبت اول ماه مه، رفقا از برلین

به مناسبت اول ماه مه از گوتنبرگ

از طرف خانواده هوادار حزب در آمریکا

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>  
4. E-mail: [dabirxhaneh\\_hti@yahoo.de](mailto:dabirxhaneh_hti@yahoo.de)

**Nameh Mardom-NO 738**  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

11 May 2006

شماره فاکس و  
تلفن پیام گیر ما  
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام# IRAN e.V. #####

شماره حساب# 790020580#####

کد بانک# 10050000#####

بانک# Berliner Sparkasse